



# ممالک و فسیح محرو

پوشش های قاجاریه شناسی

شاپا: ۲۴۲۳\_۷۶۹۸

سال یکم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۱۵۰۰۰۰ ریال

علی باغدار دلگشا	نسوان نگاری های نشریه ی ایران نو
محمد علی بهمنی قاجار	بحرین در روزگار قاجار
کاوه بیات	ایران و جنگ بزرگ: گزارش های هاوارد از رویدادهای ایران (۱۹۲۱-۱۹۱۴)
غلامرضا جلالی	اقلیت های دینی در ایران عصر مشروطه
محسن خلیلی	دوگانه ی مشروطه: تجربه های آشنا، فقدان نظریه
مهدی عباسی شاهکوه	بازخوانی منازعه ی دولت و جامعه از انقلاب مشروطه تا ظهور رضاشاه
سید فرید قاسمی	روزنامه ها و مجله های خراسان در فهرستگان قاجار
جلیل قصابی گزکوه	بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار میرزاده ی عشقی
آرش منشی زادگان	نظریه ی حکومتی برآمده از بازخوانی مذاکرات مجلس شورای ملی اول
علی نجف زاده	انجمن های اصلاح خواه در آستان قدس رضوی از مشروطه تا سقوط قاجار
مریم نیل قاز	نشان های هویت جدید در عصر قاجار به روایت اسناد
احسان یارشاطر	روزگار قاجار در آینه ی زمان

سوگ یادهما

«باز آفرینی تاریخ» در تاریخ نگری و تاریخ نگاری همانا نطق



# ممالک محروسہ

پیشانیہ

سال یکم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

شاپا: ۷۶۹۸-۲۴۲۳

انتشار ممالک محروسه، به موجب مجوز شماره ۱۸۴۲۵ / ۹۳ به تاریخ ۱۳۹۳ / ۰۷ / ۲۹  
معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر

khalilim@um.ac.ir

mohsenkhalili1346@yahoo.com

محسن خلیلی

معاون سردبیر و مدیر داخلی: مصطفی شویتری

دست یاران سردبیر: ابوالقاسم شهریاری، فاطمه نباتیان، عاطفه قیض

## هیات تحریریه

روح‌الک اسلامی (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

اسماعیل حسن زاده (دانشیار تاریخ دانشگاه الزهراء)

حسن حضرتی (استادیار تاریخ دانشگاه تهران)

محسن خلیلی (استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

عباس قدیمی قیداری (دانشیار تاریخ دانشگاه تبریز)

عباس کشاورز شکری (دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد)

علیرضا ملایی توالی (دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مرتضی منشادی (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

مهدی نجف زاده (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

ماکوتو هاچی اومشی (استاد تاریخ دانشگاه توکیو)

نشانی: مشهد، بلوار وکیل آباد  
دانشگاه فردوسی مشهد  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه علوم سیاسی

کد پستی: ۹۱۷۷۹۴۸۹۵۱

صندوق پستی: ۱۳۵۷

تلفن: ۰۵۱-۳۸۸۰۵۲۵۷

نمابر: ۰۵۱-۳۸۸۲۹۵۸۴

khalilim@um.ac.ir

mohsenkhalili1346@yahoo.com

mamalekemahruseh@gmail.com

رابطانامه

تلگرام: telegram.me/mamalekemahruseh

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

نشان نوشته (لوگو)، انوشیروان فروغی

صفحه آرا: احمد حریمی

طراح جلد: وحید صالحی نجف آبادی

چاپ: نشر مرندیز

فهرست جُستارها

- ۱۷-۳۳ نِسوان نگاری های نشریه ی ایران نو  
علی باغدار دلگشا
- ۳۴-۵۳ بحرین در روزگار قاجار  
محمدعلی بهمنی قاجار
- ۵۴-۶۹ ایران و جنگ بزرگ  
گزارش های هاوارد از رویدادهای ایران (۱۹۲۱-۱۹۱۴)  
کاوه بیات
- ۷۰-۸۳ اقلیت های دینی در ایران عصر مشروطه  
غلامرضا جلالی
- ۸۴-۹۷ دوگانه ی مشروطه؛ تجربه های آشنا، فقدان نظریه  
محسن خلیلی
- ۹۸-۱۲۱ بازخوانی منازعه ی دولت و جامعه از انقلاب مشروطه تا ظهور رضاشاه  
مهدی عباسی شاهکوه
- ۱۲۲-۱۳۷ روزنامه ها و مجله های خراسان در فهرستگان قاجار  
سیدفرید قاسمی
- ۱۳۸-۱۶۱ بازتاب جنگ جهانی اول در اشعار میرزاده ی عشقی  
جلیل قصابی گرکوه
- ۱۶۲-۱۸۵ نظریه ی حکومتی برآمده از بازخوانی مذاکرات مجلس شورای ملی اول  
آرش منشی زادگان
- ۱۸۶-۲۰۹ شکل گیری انجمن ها و هیأت های اصلاح خواه در آستان قدس رضوی  
از مشروطه تا سقوط قاجار  
علی نجف زاده
- ۲۱۰-۲۱۹ نشان های هویت جدید در عصر قاجار به روایت اسناد تقویم، تمبر، چک،  
شیر و خورشید  
مریم نیل قاز
- ۲۲۰-۲۳۱ روزگار قاجار در آینه ی زمان  
احسان بارشاطر
- ۲۳۲-۲۴۵ «باز آفرینی تاریخ» در تاریخ نگری و تاریخ نگاری هما ناطق  
علی باغدار دلگشا

## دوگانه‌ی مشروطه: تجربه‌های آشنا، فقدان نظریه

معین خلیلی\*

قانون اساسی خیلی خوب است، ولی مملکت تدارک اساسی می‌خواهد.<sup>۱</sup> همدی پدیده‌ها، به طرز شتاب‌ناک، پیدا نمی‌شوند؛ بلکه، در فرآیندی تاریخی که هم زمان‌مند است و هم مکان‌مند، و در محاصره‌ی زنجیره‌ای از علت‌ها، آفریده می‌شوند و رشد می‌یابند. انقلاب مشروطیت، روندی تاریخی است که پیدایش آن به روزگاری بسیار پیش از پیدایش ظاهری آن، در تاریخ معاصر ایران، بازگشت می‌کند. نخستین خواسته‌ی کوشندگان مشروطه‌خواه، مبنی بر برداشته‌شدن عسگر گاریجی، تا آخرین مطالبه‌ی آنان که امضای فرمان مشروطیت و اعطای قانون اساسی بود، به یکی دو سال پیش از ظهور نهضت مشروطه‌خواهی بازگشت نمی‌کند؛ بلکه ریشه‌ی تاریخی دارد و به مدت‌ها پیش، بازمی‌گردد. ریشه‌ی تاریخی، به دو بخش عمده تقسیم می‌گردد: داخلی و خارجی. ایرانی‌ها بدون آن‌که از نظریه‌های مربوط به اومانیسم و مشروطه‌گرایی و محدودسازی قدرت سیاسی و شورش و خیزش علیه نظام استبدادی خبر داشته باشند، در بسیاری از نوشتارهای سیاسی و یا رسایل روشنگرانه‌ی سیاسی، خواسته‌هایی از نظام سیاسی زمانه‌ی خود داشتند که همگی در تئوری‌های فلسفه‌ی سیاسی مدرن اروپایی برای مشروط‌سازی قدرت سیاسی، وجود داشت، از دیگر سو، از همان زمانی که ایرانی‌ها دریافته‌اند که به‌جز آنان، دیگرانی هم هستند که به طرز حیرت‌آور، از جامعه‌ی ایرانی، هم پیش‌رفته‌تراند و هم قوی‌تر، به تدریج این تفکر در ذهن جامعه‌ی ایرانی شکل گرفت که چگونه می‌توان مثل آنان شد و گام در مسیر ترقی گذاشت.

\* استاد علوم سیاسی دانش‌گاه فردوسی مشهد

۱. مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه) خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره‌ی زندگی من (تهران: زوار، چاپ پنجم، ۱۳۷۵) ص ۲۰۴.

ممالک  
فلسطین  
محمود  
پیشانی‌آب  
پایه‌های

به یک دیگر است.<sup>۱</sup> درون‌مایه‌ی پرشی سیاست‌دهی نویسنده‌ی متن چنان بوده است که انگار ما ایرانیان، برابری بوده‌ایم و در اوج، و اکنون به حقیقت ذلت، فروافتاده‌ایم. حال، در پاسخ به چنان پرستی و در جست‌وجوی راه‌حل گره‌گشایانه، البته، پاسخی دم‌دستی، موجودیت می‌یابد و آن هم، اجرای اصول و دود مشروطه است؛ چیزی که، نه آن‌را می‌شناسیم و نه سانی آن‌را درک می‌کنیم. اما، از خلاف آمد روزگار است که، ندایی در درون‌مان، گواهی می‌دهد که انگار فرآورده‌های مدرنیته، استوار بر تجربه‌هایی آشنا در این‌سوی جغرافیای سرزمینی‌اند.

فرمان نگارنده‌ی مقاله با عنوان Lack of theory (فقدان نظریه به هم‌راه تجربه‌های آشنا) نیازمند استدلال است. بنابراین کوشش می‌شود آنچه ادعا شده است که ایرانی‌ها فاقد تئوری تأسیسی قانون اساسی و پارلمان بوده‌اند؛ اما، با بنیان‌های تاریخی تجربی تأسیس حکومت قانون و محدود شدن قدرت سلطنت، آشنایی داشتند، تبیین گردد و دربارهی آن استدلال آورده شود. زیرا، برخی صاحب‌نظران بر این باور هستند که اگر تاریخ اندیشه و نظریه‌ی سیاسی حقوقی یک کشور، با برخی مفاهیم و ابزارها، بیگانه باشد، نخبران و مردم آن کشور، حتی اگر با هم‌دیگر توافق کنند و قرارداد هم داشته باشند، نیز نخواهند توانست دست به تأسیس مفاهیم و تدوین ابزارها بپردازند. در این‌جا منظور از مفاهیم، عبارت از حکومت قانون و محدود شدن قدرت سیاسی و منظور از ابزار، قانون اساسی و پارلمان است. دو شاهد تاریخی وجود دارد که نشان می‌دهد ایرانی‌ها با این

مفاهیم و ابزارها آشنا بوده‌اند؛ یکی، سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ است؛ و دیگری، رسایل میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. فراوانی مفاهیم به‌دست‌آمده از شمارش واژگان در کتاب سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ نشان می‌دهد که بسیاری از عمل‌کردهای نظام سیاسی و بسیاری از خصصت‌های موجود در جامعه‌ی ایران پیش‌انقلاب مشروطه، نیاز جامعه را به تغییر و تحول بنیادین، مستدل ساخته بود. گرچه جماعت ایرانی با مفاهیم مدرن، کمابیش هیچ آشنایی نداشت، ولی وجود روابط ناعادلانه در جامعه‌ی عقب‌افتاده به‌هم‌راه استبداد و سرکوب و بی‌قانونی، ایرانی‌ها را عقلاً و منطقیاً مجاب می‌ساخت که به‌سوی تغییر نظام سیاسی، گام بردارد. در این‌جا، می‌توان از سه مقوله‌ی برساختنی، نام برد که نشان می‌دهد ایرانی‌ها می‌فهمیدند که اوضاع ناپسند آنان از چه قرار است؛ ولی، تئوری توجیه تغییر وضع موجود را نمی‌شناختند. اما، در عمل، تقلید هم که بوده باشد، نتیجه‌ی نهایی، دست‌کم، از حیث ظاهر، یک‌سان بود و منجر به پیدایش قانون اساسی و پارلمان شد. وضع مطرود عبارت از آن چیزی است که بد و شر است و می‌بایست کنار گذاشته شود. وضع مطلوب عبارت از آن پدیده‌هایی است که پذیرفتنی و مورد قبول است و می‌بایست ترویج گردد. شیوه‌ی تحول هم عبارت از روش و ابزاری است که ما را از وضع مطرود به وضع مطلوب می‌رساند.

بسامد و فراوانی مفاهیم و واژگان و مقوله‌های آسیب‌شناسانه و نقادانه‌ی موجود در رسایل میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و نیز سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم‌بیگ، نشان می‌دهد که بسیاری از عمل‌کردهای نظام سیاسی و بسیاری از ویژگی‌های جامعه‌ی ایرانی پیش‌امشروطه، جامعه را نیازمند و مستعد یک تحول اساسی ساخته بود. در این‌جا نیز،

ایرانی‌ها احساس می‌کردند که وضع‌شان بسیار خراب است و می‌بایست تغییر کند؛ ولی، ریشه‌ی نظری آن مفاهیم و نظریه‌های متحول‌کننده را نه می‌دانستند و نه می‌شناختند. نگاهی به وضع مطرود (استبداد، سلطنت مطلقه، ظلم، تعدی، جهل، بی‌علمی، خطر خارجی، خرابی، ذلت مملکت، مخالفت با قانون شرع، ضعف دولت، ضعف سلطنت، وابستگی اقتصادی، استقرار، شاه‌پرستی، استبداد دینی، بی‌قانونی)، وضع مطلوب (مشروطه، آزادی، عدالت، حریت، عدل، مساوات، علم، معرفت، برابری، مشورت، اعتدالی شریعت، ترقی، استقلال کشور، قدرت نظامی، مطابقت قوانین با شرع، دفاع از مرز، تفکیک قوا، امریه‌معروف، نهی‌ازمنکر) و شیوه‌ی تحول (قانون، اجرای قانون، مجلس شورای ملی، صنعت، اتحاد و اتفاق، قانون اساسی، قلاحت و زراعت، تأسیس مدارس، کشف و استخراج معادن، احداث کارخانه، راه‌آهن، رامسازی، انجمن‌ها، مجلس سنا) در این مکتوبات نشان می‌دهد که تجربه‌هایی که برای ایرانی‌ها، آشنا بوده، همان‌هایی است که در مغرب‌زمین هم، بروز تاریخی داشته است. تجربه‌های آنان، به تئوری‌سازی برای محدودسازی قدرت سیاسی و مشروط کردن ساختار حکمرانی به بنیان‌های حقوقی، منجر شده است؛ اما، در ایران، بدون داشتن سابقه‌ای از هیچ‌کدام از نظریه‌های فلسفه‌ی سیاسی مدرن و بنیادهای تئوریک حقوقی مدرن، تجربه‌های ملموس زندگی سیاسی ایرانیان، به‌طرزی مستقیم و با یک دوزدن شگفت‌آور تاریخی، به همان فرآورده‌هایی رسیده است که غریبان رسیده‌اند.

عقل سلیم به ایرانیان در عصر پیش‌امشروطیت، تغییر بنیادین نظام سیاسی حقوقی را تحمیل کرده بود. گرچه ایرانی‌ها نمی‌دانستند چه می‌خواهند ولی می‌دانستند چه چیزی نمی‌خواهند. این وضعیت،

سبب شد دو اتفاق مهم در تاریخ معاصر ایران، از دوران مشروطه‌خواهی تاکنون، رخ دهد: گذار جامعه‌ی ایرانی از استبداد به دموکراسی، طولانی و پرزحمت شود؛ ورود و ادخال جامعه‌ی ایرانی را به عرصه‌ی بین‌المللی، با مشکل و دشواری مواجه سازد. در مرحله‌ی پیش‌امشروطیت و مشروطیت، ما مفاهیم و ابزارهای نوین را نمی‌شناختیم و بستر تئوریک آن‌ها را نه تجربه کرده بودیم و نه درست فهمیده بودیم. از این دیدگاه، می‌توان هم‌زبان وهم‌سخن داریوش شایگان شد: ما باید تمام تاریخ صدوپنجاه‌ساله‌ی گذشته‌مان را به‌طور انتقادی مورد بازبینی قرار دهیم؛ مثلاً مشروطیت را در نظر بگیرید، بسیار خوب بود ولی مانند این بود که میل بحریم ولی‌خانه نداشته باشیم. گویا، در میان نخبران روزگار مشروطه‌خواهی، دو نفر به‌خوبی فهمیده بودند که مشروطه و پارلمان و قانون اساسی، بی‌پشتوانه است؛ یکی، امین‌السلطان بود که می‌دانست ایرانیان و به‌ویژه نظام سیاسی، نه آمادگی تغییر دارند و نه واقف و واجد زمینه‌های نظری محدود شدن قدرت سیاسی‌اند. وی چنین می‌اندیشید که با کنش‌گری سیاسی می‌تواند آب رفته از جوی را بازگرداند. دیگری، مهدی‌قلی هدایت بود که از بس تجربه‌ی سیاسی داشت می‌دانست که مشروطه، بی‌مایه فطری است. نقل گفتاری از او، به‌خوبی واقع‌گرای او را نشان می‌دهد: جوانان بی‌تجربه، هر کدام رساله‌ای از انقلاب فرانسه در بغل دارند و می‌خواهند زُل ریسیم و دانتن را بازی کنند و آخر کار آن‌ها را ندانسته‌اند. گرم کلمات آتشین‌اند. از بروود آخر کار اطلاع ندارند.<sup>۲</sup>

۵. داریوش شایگان، «چرا ما رمون آرون نداشتیم؟»، اندیشه‌ی پویا (شماره‌ی ۳۶، مرداد ۱۳۹۵) ص ۱۸.
۶. مهدی‌قلی هدایت (مخبر السلطنه)، پیشین، ص ۱۵۰.